



درباره محسن تنابنده، بازیگر توانمند این روزهای سینمای ایران

استاد نقش‌های کمدی و جدی

رسم اشتباه چشمان رنگی داشتن، در سینمای ایران در حال ور افتادن است، خوشبختانه! دیگر کارگردانان مطرح بازیگران را براساس صورت انتخاب نمی‌کنند و ملاک بسیاری از آنها توانایی و استعدادهای ذاتی بازیگران است.

همین توجه به توانایی‌های بازیگری سبب شده تا نقش‌ها کمتر به بازیگران چشم رنگی برسد و بازیگران بااستعدادتر مقابل دوربین ظاهر شوند. محسن تنابنده، یکی از همین بازیگران مستعد سینمای ایران است که هرچه می‌گذرد، بیشتر و بهتر خودش را در نقش‌های مختلف نشان می‌دهد.



تنابنده این روزها با دو فیلم «جنگ جهانی سوم» و «سه کام حبس» در سینما و در شبکه نمایش خانگی با سریال «رهام کن» حضور دارد. نکته مهم اینجا است که تنابنده در هر سه اثر نقش اصلی را بازی می‌کند و یکی از دلایل موفقیت‌شان به حساب می‌آید.

تنابنده به خاطر بازی در «جنگ جهانی سوم» جایزه مهم بهترین بازیگر مرد بخش افق‌های جشنواره فیلم ونیز را برد تا مهر تأییدی بر قدرت بازیگری‌اش زده شود. تنابنده هوش بالایی در انتخاب نقش و بازی در آن دارد. همین باعث می‌شود تا او فیلم‌های خوبی را برای نقش‌آفرینی انتخاب کند و به خوبی در آنها ظاهر شود. این بازیگر دامغانی در درآوردن تیپ و شخصیت‌های مختلف تبحر دارد. او همانطوری که در سریال «پایتخت» در نقش نقی معمولی ظاهر می‌شود و آن جنس از کمدی را به خوبی در می‌آورد، در «نداره‌ها»، «عنکبوت» یا «هفت دقیقه تا پاییز» نقش‌های جدی را در بهترین شکل اجرا می‌کند. کارنامه کاری تنابنده ترکیبی دلچسب از نقش‌های کمدی و جدی را در خود دارد. او با ریسک‌پذیری بالایی از بازی در «سن‌پترزبورگ» و «گینس» در فیلم‌هایی مثل «روزی روزگاری آبادان» نقش‌آفرینی می‌کند و توانایی‌اش را به رخ همگان می‌کشد.

تنابنده غیر از بازیگری، در نویسندگی و کارگردانی نیز باهوش و بااستعداد ظاهر می‌شود. آثاری که نام تنابنده را به عنوان کارگردان یا نویسنده دارد، آثاری قوی و قابل قبول هستند. تنابنده اگر همین روند رو به رشدش در بازیگری، نویسندگی و کارگردانی را حفظ کند و درگیر حاشیه‌ها نشود، قابلیت درخشیدن دارد. او یک تنه جای خالی بسیاری از نقش‌ها را در سینما پر کرده است. سینمای ایران به چنین بازیگرانی نیاز دارد. کاری را که سال‌ها پیش پرویز پرستویی با فیلم‌هایش می‌کرد امروز تنابنده به شکل دیگری انجام می‌دهد.

تنابنده غیر از بازیگری، در نویسندگی و کارگردانی نیز باهوش و بااستعداد ظاهر می‌شود. آثاری که نام تنابنده را به عنوان کارگردان یا نویسنده دارد، آثاری قوی و قابل قبول هستند. تنابنده اگر همین روند رو به رشدش در بازیگری، نویسندگی و کارگردانی را حفظ کند و درگیر حاشیه‌ها نشود، قابلیت درخشیدن دارد. او یک تنه جای خالی بسیاری از نقش‌ها را در سینما پر کرده است. سینمای ایران به چنین بازیگرانی نیاز دارد. کاری را که سال‌ها پیش پرویز پرستویی با فیلم‌هایش می‌کرد امروز تنابنده به شکل دیگری انجام می‌دهد.

چند نکته درباره آخرین ساخته هومن سیدی که بهترین فیلم این کارگردان محسوب می‌شود

جنگ جهانی سوم برنده نداشت!

احمد محمدتبریزی
روزنامه‌نگار

یکم - سال گذشته «جنگ جهانی سوم» را به عنوان نماینده ایران در اسکار انتخاب کردند. معرفی این فیلم پیشنهاد معقولانه و درستی به نظر می‌رسید و فقط یک مشکل وجود داشت؛ یکی از شرط‌های پذیرش فیلم در اسکار، داشتن اکران عمومی است و آن زمان فیلم هنوز اکران عمومی نشده بود. پس فیلم اول باید به اکران می‌رسید بعد برای اسکار فرستاده می‌شد. اما سازندگان فیلم به جای اکران عمومی به فکر راه‌های دیگری افتادند که بعداً به ضرر خودشان تمام شد.

سازندگان «جنگ جهانی سوم» به جای اکران عمومی، با اما و اگرهای زیادی چند اکران خصوصی انجام دادند تا با این کار سر و ته قضیه را هم بیاورند و به اسکارها بگویند ما هم اکران عمومی داشته‌ایم. چنین کاری خلاف عرف رایج در سینماست. پاییز سال گذشته اعلام شد که «جنگ جهانی سوم» در پردیس مگامال به روی پرده خواهد رفت. اما این اکران، در حد بلیت فروشی برای تعدادی مشخص از افراد انجام شد و هیچ علاقه‌مندی نتوانست فیلم را در سینما ببیند. آن زمان رسانه‌ها به انتقاد از بلیت فروشی برای «جنگ جهانی سوم» پرداختند و گفتند پس قرار است چه کسانی فیلم را ببینند؟ در فضای مه‌آلود و مبهم اکران فیلم، کسی موفق به خرید بلیت و تماشای فیلم در سینما نشد تا پرونده اکران مثلاً عمومی فیلم، بسته شود. در صورتی که اگر همان وقت، فیلم به صورت واقعی و درست اکران می‌شد، با توجه به وضعیت سینماها در آن زمان و اینکه فیلم خاصی روی پرده وجود نداشت، می‌شد به موفقیت و فروش فیلم دل بست. اما تهیه‌کننده و دیگر عوامل فیلم چنین چیزی را نخواستند تا چند ماه بعد نسخه قاچاق فیلم بیرون بیاید و مجبور به اکران فوری و سریع فیلم‌شان شوند. قاچاق فیلم به صورت گسترده، «جنگ جهانی سوم» را سوزاند تا دیگر اکران فوری هم خیلی دردی از آن دوا نکند. اگر سازندگان «جنگ جهانی سوم» همان زمان تن به اکران عمومی فیلم می‌دادند امروز دیگر شاهد چنین موضوعی نبودند. «جنگ جهانی سوم» را اول آنها سوزاندند بعد دیگران.



سوم - با وجود موفقیت‌های «جنگ جهانی سوم» و ایده متفاوت و جالب فیلم، بسیاری امیدوار به درخشش فیلم در اسکار بودند ولی فیلم حتی به لیست نهایی راه نیافت تا احتمال دیده شدنش در سطح جهانی پایین بیاید. با نگاهی به فیلم‌هایی که به لیست نهایی بخش بین‌الملل اسکار راه یافتند، به غیر از فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» می‌توان گفت «جنگ جهانی سوم» چیزی از دیگر فیلم‌های راه یافته به فهرست نهایی اسکار کم نداشت و حداقل می‌توانست به جمع نامزدهای نهایی راه پیدا کند ولی فیلم با سلیقه هیأت انتخاب اسکار جور نبود.

برای هیأت انتخاب و داوران اسکار، داستانگو بودن و درام فیلم اهمیت زیادی دارد. فیلم هومن سیدی فیلمی داستانگو است که درام خوب و پرکششی هم دارد اما بزرگترین نقطه ضعف آن به همین عنصر شخصیت‌پردازی برمی‌گردد. اگر نویسندگان فیلمنامه، شخصیت‌شکلی را خوب، درست و کامل طراحی می‌کردند و به او وجه و ابعاد مختلفی می‌دادند، می‌شد «جنگ جهانی سوم» را در جمع نامزدهای نهایی ببینیم.

این تجربه خوبی برای سال‌های بعدی است تا مسئولان سینمایی برای ارسال فیلم به تمام موارد توجه کنند. فیلمی در اسکار دیده خواهد شد که هم به لحاظ سینمایی قابلیت‌های فنی بالایی داشته باشد، هم داستانگو باشد، هم مخاطب به شخصیت‌هایش نزدیک شود و با آنها همدان‌پنداری کند و هم به لحاظ جنبه‌های هنری حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد. اگر چنین فیلم‌هایی در آینده در سینمای ایران ساخته شود، می‌توان به دیده شدنش در سطح جهانی امیدوار بود. درست شبیه همان اتفاقی که برای «جدایی نادر از سیمین» افتاد.



دوم - هومن سیدی به لطف فعالیت مستمرش در سینما و شبکه نمایش خانگی، کارگردانی باتجربه شده است. این را کیفیت فیلم‌های اخیرش نشان می‌دهد. فیلم‌های سیدی در طول این سالها بهتر شده و سه فیلم آخر او، بسیار بهتر و دیدنی‌تر از سه فیلم اولش هستند. این نکته نشان می‌دهد این کارگردان در حال پیشرفت و حرکت رو به جلو است.

سیدی مدیوم سینما را می‌شناسد و هرچه می‌گذرد، قدرت کارگردانی و فیلمسازی‌اش بیشتر می‌شود. او قاب‌های خوبی می‌بندد، کارگردانی‌اش تر و تمیز و قابل قبول است و فضای تعلیق و درام را خیلی خوب درمی‌آورد. اما سینمای او یک مشکلی جدی دارد که هنوز برطرف نشده است.

سیدی در طراحی شخصیت‌های فیلم‌هایش ایراد و اشکال دارد و در اما با وجود تمام پیشرفت‌هایی که کار او داشته، همان ضعف همیشگی شخصیت‌پردازی همچنان سر جای خودش است. «جنگ جهانی سوم» چندین شخصیت اصلی دارد که هیچ کدام خوب پردازش نشده‌اند و همین شخصیت‌پردازی نه چندان خوب، سبب می‌شود تا مخاطب به آنها نزدیک نشود.

به خاطر ضعف در شخصیت‌پردازی، بیننده با کاراکترهای فیلم همدان‌پنداری نمی‌کند و آن اثرگذاری عمیق شخصیت‌ها روی مخاطب اتفاق نمی‌افتد. شخصیت فیلم‌های سیدی در ذهن مخاطب ماندگار نمی‌شوند و با پایان یافتن فیلم، همه چیز در ذهن بیننده تمام می‌شود؛ در صورتی که در فیلم‌های ماندگار تاریخ سینما، تازه پس از پایان یافتن فیلم، آن اثر در ذهن بیننده‌اش شروع می‌شود و جان می‌گیرد.

دوم - هومن سیدی به لطف فعالیت مستمرش در سینما و شبکه نمایش خانگی، کارگردانی باتجربه شده است. این را کیفیت فیلم‌های اخیرش نشان می‌دهد. فیلم‌های سیدی در طول این سالها بهتر شده و سه فیلم آخر او، بسیار بهتر و دیدنی‌تر از سه فیلم اولش هستند. این نکته نشان می‌دهد این کارگردان در حال پیشرفت و حرکت رو به جلو است.

سیدی مدیوم سینما را می‌شناسد و هرچه می‌گذرد، قدرت کارگردانی و فیلمسازی‌اش بیشتر می‌شود. او قاب‌های خوبی می‌بندد، کارگردانی‌اش تر و تمیز و قابل قبول است و فضای تعلیق و درام را خیلی خوب درمی‌آورد. اما سینمای او یک مشکلی جدی دارد که هنوز برطرف نشده است.

سیدی در طراحی شخصیت‌های فیلم‌هایش ایراد و اشکال دارد و در

